

جهانی شدن و روند عام‌گرایی و خاص‌گرایی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران

دکتر سیدجواد امام‌جمعه‌زاده* / سیدسعید موسوی**

چکیده

در پژوهش حاضر سعی بر آن است ضمن پرداختن به تحولات ناشی از فرایند جهانی شدن در حوزه‌های مرتبط با حوزه فرهنگ و فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، نشان داده شود که این فرایند چگونه منجر به عام‌گرایی و خاص‌گرایی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران شده است. مطابق با یافته‌های این تحقیق فرایند جهانی شدن نسبت به مسائل فرهنگی باعث اتفاق افتادن نگرش عام و جهانی گردیده، اما با توجه به برداشت‌های مذهبی و الگوهای دینی که در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد در حوزه فرهنگ سیاسی نگرش خاصی به وقوع پیوسته و باعث شکل‌گیری الگوهای خاص‌گرایی (مانند مردم‌سالاری دینی، حقوق بشر اسلامی، جامعه مدنی اسلامی) شده است.

کلید واژه‌ها

جهانی شدن، عام‌گرایی فرهنگی، فرهنگ، فرهنگ سیاسی، خاص‌گرایی فرهنگی، مردم‌سالاری دینی، حقوق بشر اسلامی، جامعه مدنی اسلامی

* عضو هیات علمی و استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

** کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

دهه‌های پایانی قرن بیستم و سال‌های آغازین قرن بیست و یکم با ویژگی‌های بارز جهانی شدن همراه بوده است. فرایند جهانی شدن بر تمامی حوزه‌های فعالیت بشری از جمله جامعه، تولید، دانش، امنیت، صلح و... تاثیر گذاشته موجب تغییر در شیوه تفکر و تلقی انسان‌ها از روابط اجتماعی شده و متعاقب این تغییرات اجتماعی، تاثیرات عمیق و مهمی بر زندگی روزمره انسان‌ها در ابعاد مختلف آن گذاشته است. فرایند جهانی شدن امکان برقراری ارتباط میان انسان‌های بسیار دور از هم را فراهم کرده است. این فرایند به واسطه فشردگی فضا و زمان، فضای بسیار گسترده‌ای برای روابط اجتماعی فراهم کرده است. همچنین عوامل محدودکننده فضای اجتماعی در چارچوب مرزهای سیاسی، فرهنگی و طبیعی را بیش از پیش ناکارآمد کرده و انسان‌ها را در فضای اجتماعی واحدی قرار داده و کنش‌هایی را برانگیخته است. در این مقاله تلاش شده به این سوال پاسخ داده شود که: فرایند جهانی شدن چگونه منجر به عام‌گرایی و خاص‌گرایی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران شده است؟ برای پاسخگویی به این سوال از نظریه رونالد رابرتسون استفاده شده است. رابرتسون جهانی شدن را پدیده فرهنگی می‌داند که بستری برای جهانی شدن فرهنگ‌ها و عام شدن آنها و همچنین خاص و محلی شدن عناصر فرهنگ جهانی فراهم می‌کند. فرضیه پژوهش بدین صورت می‌باشد که: جهانی شدن منجر به افزایش عام‌گرایی و تحول در فرهنگ سیاسی شده، و از طرف دیگر باعث شکل‌گیری الگوی خاصی از فرهنگ سیاسی با تاکید بر آموزه‌های دینی در جمهوری اسلامی ایران گردیده است. در ایران نیز جهانی شدن باعث عام‌گرایی و همسانی در فرهنگ شده است و از آنجایی که فرهنگ سیاسی متأثر از فرهنگ می‌باشد بنابراین دگرگونی در فرهنگ منجر به تحول در فرهنگ سیاسی گردیده است. جهانی شدن از طرق اقتصادی و فرهنگی باعث دگرگونی در فرهنگ ایران شده و عام‌گرایی فرهنگی را باعث گردیده است، که در این پژوهش سعی خواهد شد به شیوه‌های فرهنگی که باعث این دگرگونی شده‌اند پرداخته شود. فرایند جهانی شدن همچنین باعث ظهور برخی عوامل شده و خاص‌گرایی را در فرهنگ سیاسی ایران شکل داده است. ویژگی‌های خاص‌گرایی در فرهنگ سیاسی ایران با مبانی مذهبی و اعتقادی پیوند می‌یابند.

گفتار اول: تبیین مفاهیم

الف) مفهوم جهانی شدن

این که جهانی شدن چیست و به چه معناست، خود شروع منازعات بسیاری است که بر سر این مفهوم وجود دارد. به گونه‌ای که حتی برخی از آن به جهانی‌سازی یاد می‌کنند که یادآور قضاوت ارزشی منفی و درباره آن است. در زبان فارسی معادل‌های گوناگونی برای این لغت، بسته به نظر مولفان و مترجمان قرار داده شده است. واژه‌های جهان گستری، جهانی‌شدن، جهان‌گرایی، جهانی‌سازی، یکپارچگی جهان، نظام جهانی و جهاننداری چند نمونه از این معادل‌ها هستند. واژه گلوبال^۱ به معنای کره، کلی و جهانی می‌باشد. یکی از جلوه‌های واکنشی جهانی شدن این است که این واژه در سراسر جهان وارد مباحث دانشگاهی شده است. اوائل سال ۱۹۹۰ رابرتسون و گیدنز، در هنگام تدریس از این واژه استفاده کردند تا به آنها بگویند چگونه بازار و تولید را در خارج از مرزهای ملی‌شان سامان دهند. جنبه اقتصادی آن اولین بار توسط والرشتاین و با تئوری نظام جهانی مطرح شد. جنبه‌های سیاسی توسط برتون، کوهن و روزنا مورد بحث قرار گرفت. از بین تعاریف رابرتسون، گیدنز و والرشتاین سه موضوع اصلی در مورد جهانی شدن مطرح است.

الف- فرآیند جهانی شدن از زمان نگارش تاریخی همواره مطرح بوده و تاثیرات آن در طول زمان وجود داشته است، اما به‌طور ناگهانی این روند تشدید شده است.

ب- این پدیده معاصر با نوگرایی^۲ و توسعه سرمایه‌داری است (حجازی، ۱۳۸۲: ۲۷۰).

ج- جهانی شدن پدیده نوینی است که با پدیده معروف به پست مدرنیسم ملازم شده است (همان، ۲۷۱).

ب) مفهوم فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی از مباحث جدیدی است که پس از جنگ جهانی دوم در ادبیات توسعه سیاسی در حوزه علوم اجتماعی آمریکایی مطرح گردیده است (عباسیان، ۱۳۸۷: ۳۰). این اصطلاح را برای نخستین بار گابریل آلموند در علم سیاست به کار برد (عالم، ۱۳۸۵: ۱۱۲). اگر فرهنگ عمومی را مجموعه ایستارها، باورها و احساسات پاینده مردم بدانیم، در این صورت

1- Global

2- Modernization

فرهنگ سیاسی بخشی از فرهنگ عمومی است که به روند سیاسی نظم و معنا می‌دهد (همان، ۱۵). اندیشمندان مختلف تعاریف متعددی از مفهوم فرهنگ سیاسی ارائه داده‌اند که در این جا به ذکر دو نمونه از آن‌ها می‌پردازیم. لوسین پای فرهنگ سیاسی را این گونه تعریف می‌کند: مجموعه ایستارها، اعتقادات و احساساتی است که به روند سیاسی نظم و معنا می‌دهد و فرضیه‌ها و قواعد تعیین‌کننده حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می‌کند. تالکوت پارسونز نیز معتقد است فرهنگ سیاسی با سمنگیری نسبت به هدف‌های سیاسی ارتباط دارد. در مجموع می‌توان گفت فرهنگ سیاسی عبارت است از: ارزش‌ها، باورها و ایستارهای احساسی مردم نسبت به نظام سیاسی خودشان (همان، ۱۱۴-۱۱۳). یکی از مفاهیمی که هم جنبه خرد و هم جنبه کلان دارد، فرهنگ سیاسی است. در واقع فرهنگ سیاسی محصول تاریخ نظام سیاسی است که ریشه در رفتار عمومی و نیز تجارب شخصی دارد (قوام، ۱۳۸۵: ۶۹).

ج) جهانی شدن فرهنگ

جهانی شدن فرهنگ را می‌توان در برگیرنده فرایندها و عواملی دانست که هر گونه محدودیت و بستار فرهنگی زندگی اجتماعی را تعدیل می‌کند یا از میان برمی‌دارد. به بیان دیگر جهانی شدن فرهنگ عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی. این فرایند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و همه خاص‌های فرهنگی را به چالش می‌طلبد (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۹۸). امروزه به رغم تعابیر متفاوتی که از جهانی شدن فرهنگ می‌شود درباره مصادیق آن اشتراک نظرهایی وجود دارد. بهره‌برداری جهانی از محصولات هنری، امکان عرضه و استفاده جهانی از اندیشه‌ها، جهانی شدن تدریجی الگوهای لباس پوشیدن، غذا خوردن، و رفتارهای اجتماعی، نگاه مشترک و ارزش‌هایی مشترکی که درباره انسان، حقوق و جایگاه او در جامعه جهانی مطرح می‌شود، برخی از مصادیق جهانی شدن فرهنگ هستند. اما به رغم این ویژگی‌ها کمتر کسی معتقد است که فرهنگ‌های بومی و محلی در این فرایند نابود خواهند شد. حتی افراطی‌ترین نظریه‌پردازان هم به ابقاء و البته تغییر جایگاه آنها رای می‌دهند (سلیمی، ۱۳۸۰: ۷۶).

گفتار دوم: جهانی شدن و فرهنگ در نظریه رابرتسون

مساله‌ای که از نظر رابرتسون در محور مباحث کنونی علوم اجتماعی قرار داشته و اهمیت فراوانی دارد مساله جهان‌گرایی در مقابل بخش‌گرایی و یا امر جهانی در برابر محلی است. امروزه بسیاری از نویسندگان به‌ویژه در عرصه ارتباطات درباره شکل‌گیری اخلاق جهانی و ارزش‌ها و فرهنگ جهانی سخن می‌گویند. در مقابل حتی برخی از پست مدرنیست‌ها ادعاهای آنها را رد کرده و از بخش‌گرایی و توسعه بیشتر امور محلی سخن گفته و بیشتر بر تفاوت‌ها پافشاری می‌کنند تا همگونی‌ها. فراساختارگرایان از جمله گروه‌هایی هستند که بیشتر نگاه منطقه‌ای و محلی نسبت به پدیده‌های جهانی دارند. با توجه به این اختلاف نظرها این سوال مطرح می‌گردد که آیا پدیده‌ها و فرایندهای موجود در جریان جهانی شدن بیشتر جهانی می‌شوند یا منطقه‌ای؟ آیا مسائل محلی در جریان جهان‌گرایی از بین خواهند رفت؟ آیا فرهنگ‌های بومی و محلی که نمایانگر هویت مردمان و جوامع مختلف است در مسیر جهانی شدن محو می‌گردند و یا به گونه استوارتری پا برجا می‌مانند؟ اینها سوال‌هایی است که از دیدگاه رابرتسون نقشی بنیادین در جهان امروز دارند (Robertson, 1993:69). رابرتسون نوع رابطه ویژه‌ای که در جهان جدید میان دو پدیده جهان‌گرایی - منطقه‌گرایی به‌وجود آمده است را شکل‌دهنده به فرایند جهانی شدن می‌داند. آنچه به‌عنوان ساختار جهانی شدن در حال شکل‌گیری است در نتیجه نوع ارتباط میان امر جهانی و امر محلی پدید می‌آید. حال این سوال مطرح می‌شود که آیا امر محلی در مقابل امر جهانی است؟ آیا روند جهانی شدن به معنی جهان شمولی همه چیز و از بین رفتن امور محلی - منطقه‌ای است؟ پاسخ رابرتسون به این سوال منفی است. از دیدگاه او این دو جریان متناقض یکدیگر نیستند و حتی هر یک در ارتباط با دیگری معنا می‌گیرند (سلیمی، ۱۳۸۳:۱۹۲). رابرتسون معتقد است این دو مساله به‌عنوان بخشی از به هم پیوستگی و اتصال جهانی با هم مرتبط شده‌اند. آنها با هم در شرایطی متحد شده‌اند که تجربیات جوامع جهان شمول شده است و آن آرزوی منطقه‌ای و محلی شدن از یک سو و آرزوی جهانی شدن از سوی دیگر رشد یافته است. بخشی شدن جهان‌گرایی به معنی گسترش ایده جهانی است که از قطعیت امر جهانی - انسانی برخاسته و جهان شمولی بخش‌گرایی، به معنی اشاعه گسترده این ایده است که هیچ محدودیتی برای بخش‌گرایی، اتحاد، تفاوت و دیگری بودن وجود ندارد (همان، ۱۹۳-۱۹۲).

از این دیدگاه جهان شمولی فرهنگی و روند جهانی شدن به معنی از بین رفتن فرهنگ‌های محلی نیست و بالعکس منطقه‌ای شدن و بخش‌گرایی فرهنگی نیز به معنی از میان رفتن امر

جهانی و متناقض فرایند جهانی شدن نیست. فرایندهای جهانی و امور جهانی در قالب ساختار و فرهنگ‌های منطقه‌ای جای می‌گیرند و امور محلی به عنوان بخشی از ساخت‌بندی جهانی محسوب گردیده و در درون آن واقع می‌شود، نمونه ژاپن که از یک سو ویژگی‌های فرهنگ محلی خود را حفظ کرده و از سوی دیگر حضوری فعال در جهانی شدن امور داشته است، نمونه بارزی از این امر است (همان، ۱۹۳).

گفتار سوم: شاخصه‌های جهانی شدن

الف) شاخصه‌های عام‌گرایی

۱- گسترش تجدد

برجسته‌ترین وجه جهانی شدن فرهنگی را می‌توان جهانگیر شدن ویژگی‌های محوری تجدد دانست. ویژگی‌های مورد نظر عبارتند از یک رشته نهادها و شیوه‌های رفتار که در پی فروپاشی نظام فئودالی در اروپای غربی شکل گرفت و در طول چندین دهه به نقاط دیگری از جهان، از جمله آمریکای شمالی، اقیانوسیه و ژاپن نیز راه یافت. با آغاز قرن بیستم، فرایند گسترش فرهنگ و تمدن غربی با شتاب بیشتری تداوم یافت و در نیمه دوم قرن نیز به واسطه پیشرفت‌های چشمگیر در عرصه ارتباطات، باز هم پرشتاب‌تر و شدیدتر شد (گل‌محمدی، ۹۹:۱۳۸۶).

ویژگی‌های نهادی تجدد عبارتند از:

الف) صنعت‌گرایی: که نوعی سازمان اقتصادی-اجتماعی به‌شمار می‌آید. در چارچوب این سازمان، قدرت مادی و ماشین‌آلات به‌صورت گسترده‌تر در فرایندهای تولید به‌کار گرفته می‌شود و تولید به‌صورت متمرکز، کارخانه‌ای، انبوه و تخصصی در می‌آید. از لحاظ اجتماعی هم روابط اجتماعی به‌میزان چشم‌گیری متحول می‌شوند تا با این نوع فعالیت اقتصادی و فرایند تولید متناسب و همگون شوند (همان، ۱۰۰-۹۹).

ب) رشد سرمایه‌داری: سرمایه‌داری در اواخر قرن هیجدهم به یک نظام اقتصادی-اجتماعی مسلط در غرب تبدیل شد. سرمایه‌داری نوعی نظام تولید کالایی است که بازارهای تولید رقابتی و کالایی شدن نیروی کار را در بر می‌گیرد. به بیان دیگر در این نظام همه حوزه‌ها و روابط اجتماعی در رابطه با تولید کالایی بازسازی می‌شوند و کارایی اقتصادی به‌صورت مهم‌ترین معیار ارزش در زندگی اجتماعی در می‌آید (همان، ۱۰۰).

ج) سومین ویژگی نهادی تجدد عبارتست از نهادهای نظارت و مراقبت. این نهادها پایه و اساس افزایش شدید قدرت سازمانی را تشکیل می‌دهند که با پیدایش زندگی اجتماعی مدرن پیوند دارد. نظارت و رقابت معطوف به کنترل نظارتی انسان‌های مختلف است که در جوامع معین زندگی می‌کنند. چنین کنترلی یا به واسطه آنچه فوکویاما نظارت آشکار می‌نامد، ممکن می‌شود یا با استفاده از انواع اطلاعات. به هر حال در هر دو مورد، قصد آن است که نظمی خاص بر مردم حاکم شود و نوعی هماهنگی میان فعالیت‌های اجتماعی برقرار گردد (Giddens, 1991: 15).

در کنار این ویژگی‌ها باید به‌طور مختصر به برخی از دیگر شاخصه‌های عام گرایی نیز اشاره کرد که عبارتند از:

- ۲- گسترش و جهانگیر شدن زبان‌های اروپایی به ویژه انگلیسی.
- ۳- الگوهای پوششی.
- ۴- تغذیه و معماری.
- ۵- زندگی شهری و صنعتی.
- ۶- یک رشته ارزش‌ها و رهیافت‌های فرهنگی درباره آزادی فردی، حقوق بشر و سکولاریسم (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

ب) شاخصه‌های خاص گرایی

۱- نخستین ویژگی خاص گرایی فرهنگی ضدیت با فرایند جهانی شدن و نفی آن است. از آنجا که خاص گرایی فرهنگی واکنشهایی به بحران هویت و معنا در جهان هستند، از شناسایی عامل بحران و نیروهای بحران آفرین فرو گذار نمی‌کنند. تقریباً در همه خاص‌گرایی‌های فرهنگی از فرایند جهانی شدن چونان عامل و پدیدآورنده اصلی بحران هویت و معنا یاد شده است. بنابراین فرایند مورد نظر به صورتهای مختلف نفی می‌شود (همان، ۱۳۸۶).

۲- تاکید بر مکان، محل و سرزمین معین ویژگی دوم ایدئولوژی‌های خاص‌گرا را تشکیل می‌دهد. این ویژگی در درجه نخست به احساس ناامنی و اضطراب حاصل از گسیخته شدن پیوند تنگاتنگ میان مکان و هویت معطوف است که فرایند جهانی شدن با فضا مندم کردن زندگی اجتماعی پدید می‌آورد. ناامنی حاصل از فضا مندمی و سرزمین‌زدایی افراد را به تلاش برای مکان‌مند کردن دوباره هویت و ایجاد یک خانه فرهنگی امن و می‌دارد. در واقع موارد بسیاری وجود دارد که

نشان‌دهنده سرزمین‌گرایی دوباره افراد گروه‌های مختلف در واکنش به سرزمین‌زدایی یا دیالکتیک سرزمین‌زدایی و احیای سرزمین هستند (Tomlinson, 1999:148).

۳- تاکید بر تمایز و تفاوت و شفاف کردن مرزها را می‌توان ویژگی سوم خاص‌گرایی فرهنگی به‌شمار آورد. در همه خاص‌گرایی‌های فرهنگی کم‌وبیش و به صورت‌های مختلف بر بازسازی مرزها تاکید می‌شود و بازسازی خودی- غیر خودی در دستور کار جنبش‌های خاص‌گرا قرار می‌گیرد. این امر از آن رو اهمیت دارد که فرایند جهانی شدن با نفوذ پذیر و نابود کردن مرزها، تفاوت و غیریت را پرابلماتیک می‌کند. در چنین شرایطی همپوشی‌های قلمرو ما و دیگران بسیار افزایش می‌یابد و بازشناسی مرز میان آن دو قلمرو دشوار می‌شود (گل‌محمدی، ۲۵۸:۱۳۸۶).

۴- چهارمین ویژگی خاص‌گرایی‌های فرهنگی با تاثیر جهانی شدن بر فرهنگ پیوند می‌یابد. در جوامع سنتی، هویت‌سازی به واسطه منابع و عناصر محدود و مطلق فرهنگی صورت می‌گرفت و به همین دلیل، یقین و قطعیتی بر نظام معنایی انسان‌ها حاکم بود ولی با فرو ریزی مرزها و رها شدن فرهنگ‌ها از دایره تنگ مکان و سرزمینی معین، نسبیت فرهنگی فراگیری شکل می‌گیرد به بیان دیگر فرهنگ‌ها در فضایی بسیار فراخ کنار هم قرار می‌گیرند و ساختگی و نسبی بودن آنها آشکار می‌شود. بنابراین دنیای پایدار و ممتازی که انسان‌ها با این منابع و مصالح می‌ساختند، فرو می‌ریزد و نوعی بحران هویت و معنا پدید می‌آید. همین تحول بحران‌آفرین است که ویژگی چهارم خاص‌گرایی فرهنگی یا نسبیت‌ستیزی را شکل می‌دهد. در ایدئولوژی‌های خاص‌گرا نسبیت‌ستیزی پررنگ و برجسته‌ای وجود دارد و انواع مطلق‌گرایی مورد تاکید قرار می‌گیرد. در واقع یکی از ویژگی‌های اصلی و حتی مهمترین ویژگی بنیادگرایی دفاع از سنت است که به شیوه سنتی انجام می‌شود. در این چارچوب سنت‌ها توجیه نمی‌شوند، بلکه همچون حقایق مطلق قلمداد می‌شوند که باید به آنها ایمان آورد (Giddens, 1994:6).

۵- ویژگی پنجم، نفی هر گونه آمیزش و اختلاط و تاکید بر خلوص و امر ناب است. فروریزی مرزها نه تنها فرهنگ و هویت‌ها را نسبی می‌کند، بلکه این واقعیت را هم آشکار می‌کند که وجود فرهنگ خالص و ناب دیگر ناممکن است، چرا که فضاها بسته فرهنگی- اجتماعی فرو ریخته‌اند. آگاهی از این واقعیت برای برخی انسان‌ها بسیار اضطراب‌آور و ترسناک است و بنابراین به جستجوی فرهنگ ثابت، ناب و پاک برمی‌خیزند (Selverman, 1999:51).

جماعت‌گرایی نیز از دیگر ویژگی خاص‌گرایی‌های فرهنگی است که به‌عنوان یک جنبش اجتماعی معاصر و یک فلسفه سیاسی، واکنشی به فردگرایی‌های فزاینده در جهان معاصر

به‌شمار می‌آید. این فردگرایی و فردمحوری تا حدود زیادی نتیجه فرایند جهانی شدن است که با فرو ریختن فضاها نسبتاً بسته‌ا بسته اجتماعی- فرهنگی سنتی، امر اجتماعی را رها می‌کند و هویت‌سازی را بیش از پیش به مسوولیتی فردی تبدیل می‌نماید. نه تنها دنیای اجتماعی فرد بسیار گسترش می‌یابد، بلکه مسوولیت او هم در برابر بازسازی خویشتن افزون می‌شود (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۲۶۲).

این موارد از اصلی‌ترین ویژگی‌ها و شاخصه‌های خاص‌گرایی فرهنگی به‌شمار می‌روند و مربوط به یک منطقه جغرافیایی خاص و یا کشوری خاص نیست بلکه در تمام ایدئولوژی‌های خاص‌گرا می‌توان این ویژگی‌ها را یافت.

گفتار چهارم: جهانی شدن و عام‌گرایی در فرهنگ و فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران
از آنجا که فرهنگ سیاسی یک فرایند است نه یک وضعیت، کوشش برای نزدیک کردن گرایش‌های گوناگون از طریق مذاکره، مصالحه، مسامحه و... مهمترین اقدام برای همکاری، همگرایی و اتحاد است. لذا کشورهایی که تمایل به مشارکت در این گونه اتحادها دارند، باید آمادگی تطبیق فرهنگی با دیگر کشورهای بالقوه را داشته باشند و در این مسیر از هیچ‌گونه همراهی و مدارای سیاسی- فرهنگی دریغ نورزند (کاظمی، ۱۳۸۰: ۱۸۷). در فرایند جهانی شدن نه تنها مرزهای فرهنگی جوامع گوناگون در برابر امواج الکترونیکی آن تاب مقاومت ندارند بلکه تمام سطوح زندگی انسان در جوامع مختلف را متحول و به سمت یکسانی و همگونی فرهنگی بسیاری از باورها، آداب و سنن، ارزش‌ها و عقاید جهانگیر و جهان‌شمول سوق می‌دهد. به هر صورت جهانی شدن فرهنگی، یکی از مهمترین جنبه‌های فرایند جهانی شدن است که این فرایند به واسطه تکنولوژی مدرن اطلاعات تمامی مرزهای مختلف از مرز جغرافیایی گرفته تا مرزهای فرهنگی را نفوذپذیر ساخته و با رسوخ در لایه‌های مختلف جوامع تمامی دگرگونی‌ها و تحولات سطح جهان را به نوعی از خود متاثر نموده، فرهنگ‌ها را به سمت ادغام و در هم تنیدگی کشانده جامعه واحد جهانی را رقم می‌زند. شواهد موجود در شرایط فعلی جهان گویای ناتوانی محیط‌های اجتماعی به پایداری و استقامت در محدوده مرزهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در برابر روند رو به رشد جریان جهانی شدن فرهنگ می‌باشد. به‌واسطه فشردگی فضا و زمان که زندگی تمامی انسان‌ها در سراسر جهان را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، محسوس و یا نامحسوس از خود متاثر می‌کند، هر حادثه و رخدادی در سطح جهان، جدای از پیامدهای آن، به‌طور مستقل و مجزا قابل بررسی نیست و می‌تواند، آثار جهانی مثبت و منفی برای جوامع

در پی داشته باشد. بدین ترتیب محیط‌های سرزمینی و انحصارهای جغرافیایی، نهادها و چارچوب‌های سنتی جوامع از بین رفته و فضای جهانی واحدی که تمامی جریان‌ها و حوادث گوناگون را در برمی‌گیرد شکل می‌دهد. فرایند جهانی شدن فرهنگ با تخریب مرزهای فرهنگی جوامع بر سرعت و گسترش تعامل و ارتباط، داد و ستد و پیوند بین جوامع با نزدیک ساختن آنها به یکدیگر جامعه جهانی واحدی را شکل می‌دهد. شکل‌گیری و حرکت فرهنگ‌ها به سمت یکسانی و همگرایی مستلزم رها ساختن سنت‌های جاری در جامعه و پذیرش فرایند ادغام و همگون‌سازی در جامعه می‌باشد. جهانی شدن فرهنگ به نوعی حلقه را بر دولت‌های ملی فشرده ساخته است. کالایی شدن فرهنگ و صدور کالا به اقصی نقاط جهان، فرهنگ مصرف‌کننده را در خطر اضمحلال قرار داده سلطه و سیطره خود را بر آن تحمیل می‌کند و دولت‌ها را از آن گریزی نیست. ارسال مدهای جدید، فیلم‌های مهیج، گسترش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان ارتباطات بین‌المللی و گرایش روزافزون جوامع مختلف به فراگیری این زبان، صنعت گردشگری و توریسم، مهاجرت و... جملگی عواملی هستند که سنت‌های محلی را سست نموده و در خود محو می‌نمایند (صیادی، ۱۳۸۴: ۳۹-۳۸). دگرگونی و تحول فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که دگرگونی‌هایی به قدر کفایت بزرگ در محیط اقتصادی و تکنولوژیکی و یا سیاسی-اجتماعی صورت گیرد. لیکن چنین دگرگوهایی به آرامی و معمداً از طریق جامعه‌پذیری نسل‌های جدید تحقق می‌یابد، و این انتقال سخت و دردناک است. دگرگونی فرهنگی میل ذاتی به آن دارد که از دگرگونی‌های محیطی که سبب بروز آن هستند عقب بماند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۲). با این نگرش از فرایند جهانی شدن، به نظر می‌رسد که این فرایند بر فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران تاثیر بر جای نهاده و منجر به عام‌گرایی در فرهنگ جمهوری اسلامی ایران شده و به دنبال آن بر فرهنگ سیاسی ایران اثر گذاشته است. با این وجود جمهوری اسلامی ایران نسبت به اکثر کشورهای جهان تاثیرپذیری کمتری داشته و دلیل آن بر می‌گردد به نظام سیاسی خاص و دینی که در جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده و همواره کوشیده است که از نفوذ فرهنگ غربی در ایران جلوگیری کند و به جای آن غنای فرهنگ ایرانی-اسلامی را خاطر نشان سازد.

الف) تحول فرهنگی

یکی از وجوه مناقشه برانگیز جهانی شدن فرهنگ، بحث از شکل‌گیری هویت جهانی یا به تعبیر باری آکسفورد شکل‌گیری فضای جهانی واحد است که دارای ویژگی‌های یک نظام است

(آکسفورد، ۱۳۷۸: ۶) که درون آن فرایندهای جهانگیر بازتولید شده و واحدهای ملی و هویت‌های محلی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. اینکه شکل‌گیری این فرهنگ جهانی چگونه و تا چه حد منبعت از فرهنگ‌های محلی و ملی است یا اینکه آنها را منهدم ساخته و از نو ابداع می‌کند، از بحث‌های مطرح در این حوزه است که آغاز شده و بخش‌هایی از آن نیز طی شده است و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم در مسیر این پروسه قرار داریم (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۹). حتی به تعبیری اکنون هم یک فرهنگ جهانی وجود دارد، اما هنوز هیچ مفهوم و تعریف خاصی برای همگون‌سازی تمام سیستم‌ها ظاهر نشده است (همان، ۱۱۰-۱۰۹). یعنی نفس وجود جریان‌های همگون‌ساز که بر همگونی فرهنگ‌ها تاثیر جدی می‌گذارد، انکارناپذیر، اما تعریف، چگونگی و حد و مرز این جریان و میزان تاثیر آن در همگون‌سازی فرهنگ‌ها مورد مناقشه است. توجه به این مهم ضروری است که به موازات شکل‌گیری هویتی جهانی، هنوز هم جوامع انسانی مختلف می‌کوشند از هویت‌های قومی، محلی و ملی خود دفاع کنند و نقش موثری در شکل‌گیری هویت جهانی ایفا نمایند. به این ترتیب همزمان دو جریان موثر وجود دارد: جریان اول، جریان شکل‌گیری هویت واحد جهانی در اثر جهانی شدن است که بسیاری از ویژگی‌های هویت‌های محلی، منطقه‌ای را محو یا بازتولید می‌کند و جریان دوم، دفاع انسان‌ها از هویت‌های محلی، منطقه‌ای و ملی خود است که به‌نظر می‌رسد حاصل این دو جریان، حرکت به سمت هویت واحد جهانی در عین حفظ تکثر ناشی از حضور هویت‌های مختلف محلی و ملی است. به بیان دیگر، دفاع هویت‌ها از خود سبب می‌شود که به سرعت مغلوب هویت برتر در پروسه جهانی نشوند و در جهت حفظ ویژگی‌های خود در هویت جهانی تلاش کنند. بدیهی است هرچه در این مصاف موفق‌تر حضور یابند نقش بیشتری در هویت جدید جهانی ایفا خواهند کرد (همانف ۱۱۰). این امر (تحول در سطح فرهنگ) از طرق مختلفی صورت پذیرفته است که ما در اینجا به ذکر برخی از این موارد می‌پردازیم:

(ب) تکنولوژی (رسانه‌های صوتی و تصویری)

یکی از عوامل مهم و موثر در فرایند جهانی شدن (به‌خصوص طی دهه گذشته) پیشرفت و جهان‌گرایی تکنولوژی بوده است. پیشرفت سریع تکنولوژی اطلاعاتی (کامپیوتر- مخابرات) در روند جهانی شدن نقش به‌سزایی داشته است. در واقع انقلاب اطلاعاتی، ادغام را تسهیل کرده و موانع ایجاد شده از طریق فاصله‌های فیزیکی و جغرافیایی را از میان برده یا محدود نموده است. به‌عنوان مثال دیجیتالی شدن باعث شده است تا بسیاری از خدمات قابل مبادله شوند. در

حالی که چنین امکاناتی در گذشته وجود نداشت (به‌کیش، ۱۳۸۴: ۳۶). دگرگونی تکنولوژیکی ایجاد شده در چند دهه اخیر موجب ظهور فوق‌قلمروگرایی شده و ارتباط انسان‌ها را در هر نقطه‌ای از جهان به آسانی ممکن کرده است. این تکنولوژی شامل موارد زیر می‌باشد: تلفن، اینترنت، ماهواره. اینترنت و ماهواره از مهمترین ابزارهایی است که در جهت تحول و دگرگونی فرهنگ سایر کشورها نقش ایفا می‌کنند و در صدد اشاعه و گسترش فرهنگ مصرفی غربی است و در این راستا تلاش شبانه‌روزی برای همگونی و ادغام فرهنگی انجام می‌دهند، و هدف نهایی آن ذوب فرهنگ سایر ملل در فرهنگ غربی است. در ایران نیز ماهواره‌ها در جهانی شدن و تاثیر بر فرهنگ نقش برجسته‌ای داشته‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که علاقه‌مند به داشتن ماهواره هستند روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود.

یکی دیگر از کالاهایی که جنبه ارتباطی دارد و باعث تحول و دگرگونی فرهنگی می‌شود فیلم است. در این عرصه هر کشوری که تولید فیلم بیشتری داشته باشد می‌تواند در اشاعه فرهنگ مورد نظر خودش بر دیگر کشورها چیرگی یابد. مقدمه صادرات و واردات فرهنگی، تولید فرهنگی است. جامعه‌ای که تولید نداشته باشد، از داد و ستد نیز عاجز است. در جهان امروز تولید کالاها و خدمات فرهنگی نیز همانند تولید صنعتی و کشاورزی و واردات و صادرات آنها شاخصه‌ای برای پیشرفته بودن یک کشور است (محمدی، ۱۳۷۷: ۲۴۶). صادرات و واردات فیلم از شاخصه‌هایی است که موجب فرایند جهانی شدن شده و کشورهای مختلف می‌توانند از محصولات فرهنگی تولیدی سایر کشورها استفاده کنند که در نتیجه باعث عام‌گرایی فرهنگی می‌شود. در ایران فیلم‌های وارداتی بسیار بیشتر از فیلم‌هایی است که تولید و صادر می‌کنیم. در این عرصه (فیلم) نیز همچون ابزارهای دیگر چون اینترنت و ماهواره سهم عمده صادرات از آن کشورهای غربی و توسعه یافته است. پس در این عرصه نیز مشاهده می‌شود که کشورمان بیشتر واردکننده است و این امر باعث می‌شود که فرهنگ غربی که در بطن فیلم‌ها نهفته است به شهروندان ایرانی منتقل شود و انتقال فرهنگی صورت گیرد و باعث نوعی عام‌گرایی فرهنگی و تحول در فرهنگ بومی ایجاد شود. این ابزارها که ذکر شد همگی در همگونی و همسانی فرهنگ و عام‌گرایی فرهنگی موثرند. پس می‌توان به این نتیجه رسید که با پیشرفت علم و تکنولوژی روند حرکت ایران و ادغام شدن در جامعه جهانی تسهیل شده است. از سوی دیگر استفاده از این ابزارها و تکنولوژی ارتباطی نشان‌دهنده این امر است که امروزه کشورمان دارای فاصله از کشورهای دیگر نیست و در حال تعامل و مبادله با کشورهای مختلف می‌باشد. پس

می‌توان اثر جهانی شدن بر ادغام و همسانی فرهنگ‌ها را نیز به وضوح مشاهده کرد. این همسانی و عام‌گرایی فرهنگی را ابزارهای جهانی باعث گردیده‌اند.

ج) صنعت گردشگری (توریسم)

از دیگر طرق گسترش عام‌گرایی فرهنگی و تحول در فرهنگ می‌توان به فعالیت‌های توریستی و گردشگری اشاره کرد. گردشگری از نظر ماهوی قبل از آنکه به‌عنوان یک پدیده اقتصادی مطرح باشد یک امر فرهنگی است، به گونه‌ای که در پیرامون آن آثار فرهنگی بسیاری شکل می‌گیرد. گردشگری انسان را با فضاهای جغرافیایی، انسان‌ها و فرهنگ‌های دیگر آشنا می‌سازد. این آشنایی مقدمه‌ای برای شناخت بیشتر انسان از خویش است. این در حالی است که فرهنگ خود به‌عنوان جاذبه اصلی گردشگری محسوب می‌شود. بدون فرهنگ که تفاوت‌ها را ایجاد می‌کند همه جا شبیه هم خواهد بود و گردشگری دیگر عینیت نخواهد داشت. گردشگری به‌عنوان یک امر فرهنگی تعامل‌ها و تبادل‌ها را سبب می‌شود و با انسان‌ها، انگیزه‌ها، خواسته‌ها، نیازها و آرزوهای که منبعت از فرهنگ جامعه است در ارتباط می‌باشد. توسعه گردشگری به‌عنوان یک پدیده فرهنگی موجب می‌شود که فرصت کافی برای تبادل فرهنگی بین گردشگر و جامعه میزبان به‌وجود آید و بر این مبنا آن‌ها می‌توانند یکدیگر را بهتر درک کرده، به فرهنگ هم بیشتر احترام بگذارند. گردشگری یکی از شیوه‌های کنش متقابل فرهنگی است که به واسطه تفسیر تجربه‌های گردشگری از فرهنگ محلی کنشی متقابل را نمایان می‌سازد (پاپلی‌یزدی و سقایی، ۱۳۸۵: ۸۹-۸۸). در رابطه با جمهوری اسلامی ایران در اثر ورود گردشگران از نقاط مختلف دنیا به کشور و همچنین رفتن گردشگران ایرانی به سایر نقاط دنیا باعث برخورد و نزدیکی و آشنایی فرهنگ‌های متفاوت و مختلف با یکدیگر شده و نوعی عام‌گرایی فرهنگی را باعث می‌شود. ورود گردشگران از خارج به ایران و اقامت آنها باعث برخورد و آشنایی با فرهنگ و شیوه زندگی ایرانیان شده و منجر به انتقال فرهنگ و آداب رسوم خاص خودشان به شهروندان ایرانی شده و از طرف دیگر منجر به پذیرش و انتقال فرهنگ و آداب و رسوم ایران از داخل به خارج کشور گردیده و روند عام‌گرایی فرهنگی و حرکت به سوی یکپارچگی و ادغام فرهنگی را تسهیل بخشیده است.

د) افزایش آگاهی شهروندان و تحول در فرهنگ سیاسی

همان‌گونه که قبلاً هم ذکر شد رابرتسون اصلی‌ترین ویژگی جهانی شدن را افزایش آگاهی می‌داند. پس در عصر فعلی که به عصر جهانی شدن معروف است شاهد افزایش آگاهی شهروندان در تمامی نقاط دنیا هستیم که این افزایش آگاهی نتیجه مستقیم توسعه رسانه‌ها اعم از صوتی و تصویری است. این گسترش چشم‌گیر رسانه‌ها بعضاً موجب شکوه و گلایه سیاستمداران و مسوولان بعضی از کشورها نسبت به اشاعه و ترویج فرهنگ غربی شده است و به‌طور کلی دولتها را به چالش می‌کشد. بدین‌صورت که افزایش رسانه‌ها و آسان شدن راه‌های کسب اطلاعات و آگاهی، باعث افزایش آگاهی‌های سیاسی شهروندان شده و همین آگاهی‌ها و تغییرات ایجاد شده در نگرش‌ها و باورهای افراد منجر به بروز درخواست‌های جدید شهروندان از دولت می‌شود، این مسائل مرتبط با روند عام‌گرایی در جهانی شدن است که به نوبه خود در کشورهای مختلف تبعات و پیامدهای متفاوتی بر جای می‌گذارد. یکی از پیامدهای جهانی شدن و افزایش آگاهی‌ها را می‌توان در بحران قومیت‌ها مثال زد که از نمودهای تحولات صورت پذیرفته در فرهنگ سیاسی می‌باشد.

با افزایش روند مدرنیزاسیون و افزایش امکانات ارتباطی - اطلاعاتی امکان مقایسه وضعیت اقوام و گروه‌های اجتماعی نسبت به یکدیگر بیش از گذشته فراهم شده است. از طرفی چون موضوع منزلت اجتماعی و میزان بهره‌مندی از منابع کمیاب، امری نسبی و معطوف به مقایسه خود و گروه‌های خودی با دیگران می‌باشد، لذا در مقایسه با دیگران همواره میزانی از نارضایتی و تنش در میان گروه‌های مختلف اجتماعی - قومی وجود داشته و خواهد داشت (مقصودی، ۱۳۸۰: ۴۳۶). همچنین پدیده جهانی شدن می‌تواند منجر به ایجاد بحران هویت بشود. بحران هویت وقتی رخ می‌دهد که یک جامعه دریابد که آنچه را تاکنون به‌طور دربست و بی‌چون و چرا به‌عنوان تعاریف فیزیکی و روان‌شناسانه خود جمع‌آوری پذیرفته است، تحت شرایط تاریخی جدید دیگر قابل پذیرش نیست. گسترش ارتباطات جهانی، می‌تواند بنیان هویت یک جامعه سابقاً منزوی را با آگاه‌سازی مردم آن جامعه از یک محیط کاملاً نوین از اقدام سیاسی متزلزل سازد (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۷۰). پس در اثر فرایند جهانی شدن جوامع دچار انواع بحران‌ها شده و این بحران‌ها می‌تواند منجر به تغییراتی در باورها، عقاید و احساسات مردم نسبت به نظام سیاسی بشود و به‌عبارت دیگر به تغییر فرهنگ سیاسی بیانجامد.

گفتار پنجم: جهانی شدن و خاص گرایی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران

برخی نظریه پردازان، به ویژه فرهنگ پژوهان پای بند به رهیافت امپریالیسم فرهنگی تصویری ساده از وضع فرهنگ در جهان معاصر عرضه می کنند. از دیدگاه آنها همه جوامع کم و بیش تحت تاثیر فرایند جهانی شدن هستند و بیش از پیش در چارچوب یک نظام جهانی که زیر سلطه سرمایه داری غرب است، ادغام می شوند. به بیان دیگر این فرایند مانند هیولایی همه مرزهای طبیعی و غیر طبیعی موجود در جهان را در می نوردد و هر چیزی را در کام خود فرو می برد. مرزها و اجزا و عناصر فرهنگ های خاص از این قاعده مستثنی نیستند. جهانی شدن زمینه شکل گیری و گسترش فرهنگی را فراهم می کند که در برابر هیچ حد و مرزی باز نمی ایستد. این فرهنگ به صورت ترکیبی از فرهنگ غربی، فرهنگ مصرفی سرمایه داری و فرهنگ آمریکایی، فرهنگی پرتوان است و در سطح جهانی در حال گسترش می باشد. در واقع فرهنگ جهانی مورد نظر در گستره جهانی به تولید و توزیع کالاهای خود می پردازد و روز به روز بر مصرف کنندگان آن کالاها در سراسر جهان افزوده می شود (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۲-۱۴۱). بنابراین یکی از پیامدهای مهم فرایند جهانی شدن عبارت است از همگون و یک دست شدن فرهنگ جوامع انسانی مختلف به واسطه جهانی شدن فرهنگی خاص. در این فرایند هر نوع تفاوت و گوناگونی کمرنگ تر می شود و از بین می رود و نشانه های فرهنگی همسانی بر زندگی انسان ها حاکم می شود. با ادامه این وضع دیری نخواهد پایید که پندار، گفتار و کرداری واحد مسلط خواهد شد و هرگونه تفاوت و امر خاص از جهان رخت برخواهد بست (همان، ۱۴۲). در برابر این رهیافت که قائل به نوعی امپریالیسم و همگونی فرهنگی در سطح جهان است، برخی دیگر از صاحب نظران و نظریه پردازان نظری متفاوت ارائه داده اند و انتقادهایی به این رهیافت دارند. از جمله این نظریه پردازان رابرتسون، یکی از برجسته ترین نظریه پردازان جهانی شدن، که معتقد است رهیافت امپریالیسم و همگونی فرهنگی تمام واقعیت را بیان نمی کند و در واقع تصویری ناقص ارائه داده است، بدین جهت با علم به این نقصان نظریه ای بدیع ارائه داد. رابرتسون بخش عمده ای از واکنش ها و اندر کنش های فرهنگی در جهان معاصر را سرچشمه گرفته از دیالکتیک عام و خاص می داند. به نظر او نیروهای ادغام گر و همگونی آفرین، مکمل نیروهای تفاوت زا هستند و جدایی ناپذیرند. جهانی شدن در درجه نخست پدیده ای فرهنگی است، چرا که بستری برای جهانی شدن فرهنگ های خاص و بومی و محلی شدن عناصر فرهنگ جهانی فراهم می کند. از این روست که رابرتسون از عام شدن امر خاص و خاص شدن امر عام سخن می گوید (همان، ۱۴۳). منظور از عام کردن امر خاص گسترش انواع گوناگون تفاوت های اجتماعی به واسطه توسل به ارزش های عام

است. خاص کردن امر عام حکایت از آن دارد که برخلاف نظر پژوهشگران معتقد به امپریالیسم فرهنگی، نشانه‌ها و عناصر فرهنگی به سادگی منتقل نمی‌شوند و کالاهای فرهنگی جهانی معملاً رنگ و بوی بسترهای فرهنگی خاص که در آنجا مصرف می‌شوند را به خود می‌گیرند (همان، ۱۴۴). مردم نه تنها خاصیت خود را در پوششی عام عرضه و توجیه می‌کنند، بلکه از امور و قواعد عام هم تعبیرهای خاص می‌سازند. به عبارتی دیگر، فرهنگ‌های خاص با فرهنگ جهانی وارد داد و ستدی پیچیده می‌شوند تا در عین حفظ خاصیت خود، از مزایای فرهنگ جهانی نیز بهره‌مند شوند. عرصه فرهنگی جهان صرفاً عرصه تحمیل و تسلیم و تهاجم و هماهنگی یا گاهی مقاومت ستیزآمیز نیست، بلکه عرصه داد و ستد، فصل و وصل و همگونی و ناهمگونی نیز هست (Lechner, 2000:320). فرایند جهانی شدن را نباید صرفاً در برگیرنده نیروهایی بدانیم که هیچ‌گونه تنوع و تفاوت را بر نمی‌تابند. این فرایند نوع جدیدی از امر محلی را ایجاد می‌کند و رابطه‌ای پیچیده میان عام و خاص برقرار می‌سازد. به واسطه همین فرایند است که افراد ضمن مقایسه خود با دیگرهای مشابه از خاصیت و بی‌همتایی خود آگاه می‌شوند و به نوعی پلورالیسم خودآگاه می‌رسند (Beyer, 1998:306).

الف) دین، جهانی شدن و خاص‌گرایی

پدیده جهانی شدن منجر به ایجاد نوعی نگرش ویژه نسبت به مسائل سیاسی شده است. جهانی شدن در بعد سیاسی آن بر خواست و تمایل گسترده مردم برای نیل به دموکراسی با اسلوب غربی آن مبتنی است، هرچند که بعضی گروه‌ها، همچون اسلام‌گرایان مخالف این جریان هستند (هینس، ۱۳۸۱: ۴۱). بسیاری از مبانی فکری و سیاسی از سوی مبانی دینی و مذهبی تغذیه می‌شوند. بنابراین دین و مذهب در نوع نگرش سیاسی و فرهنگ سیاسی نقش حیاتی دارد. جهانی شدن که منجر به خاص‌گرایی گردیده است در اثر توجه بیشتر به دین و مذهب می‌باشد و دین باعث شده که در نگاه به مسائل سیاسی نوعی نگرش خاص‌گرایی و داخلی که جدا از نگاه عام‌گرایی و جهانی است ایجاد شود. دیدگاه مدرنیستی که متأثر از جهانی شدن است، تجدید حیات مذهبی را به صورت واکنشی می‌بیند که گاه به روشنگری و مدرنیزاسیون نشان داده می‌شود (کرث، ۱۳۸۰: ۳۴۵). برداشتی که از دیدگاه مدرنیستی و جهانی شدن رواج دارد این است که بازار آزاد و دموکراسی لیبرال را منتهای آمال و ارزش‌های عصر کنونی می‌پندارد (همان، ۳۴۶-۳۴۵). از این‌روست که مذهب به مقاومت روی می‌آورد و

در واقع خیزشی مذهبی ایجاد می‌شود و متعاقب آن آموزه‌های مذهبی و الهی را مطرح می‌کند و منجر به شکل‌گیری خاص‌گرایی می‌شود.

بنابراین مخالفت مذهبی، واکنش‌هایی به ناکارآمدی و کاستی‌های ایدئولوژی‌ها و طرح‌های دنیاگرایانه این فرایند بوده‌اند (همان، ۳۴۷). در نتیجه این واکنش‌ها و مخالفت‌های مذهبی نسبت به جهانی شدن و آثارش بنیادگرایی مذهبی شکل می‌گیرد. بنیادگرایان الگوی ارائه شده غربی را نمی‌پسندند و رد می‌کنند و خود به ارائه الگوی مبتنی بر ارزش‌های دینی و گذشته تاریخی می‌پردازند. پس بنیادگرایان بر خاص‌گرایی تاکید می‌کنند در حالی که الگوهای فرایند جهانی شدن بر عام‌گرایی تاکید دارند.

رابرتسون نیز در رابطه با روند خاص‌گرایی از طریق دین در مقابله با جهانی شدن معتقد است واکنش‌های متفاوت و نیز مقاومت‌های گسترده در مقابل فرایند جهانی شدن از جمله نشانه‌های تجدید حیات ادیان و افزایش کشمکش میان دین و دولت می‌باشد. از این رو به اعتقاد وی، تجدید حیات اسلام را باید در مخالفت این دو جنبه مهم از فرایند جهانی شدن دید: یکی تصور جهان به مثابه یک نظام متجانس واحد و دیگری نسبی‌گرایی فرهنگی که جهان را از لحاظ فرهنگی مجموعه‌ای از شیوهای زندگی برابر می‌داند (هینس، ۱۳۸۱: ۱۰۳). در جمهوری اسلامی ایران نیز که مذهب پایه و شالوده حکومت و فرهنگ سیاسی گردیده است در اثر فرایند جهانی شدن با توجه به برداشت‌های مذهبی خاص الگوهای دینی طرح و تاثیرگذاری پیدا کرده‌اند. در اینجا به ذکر چند نمونه از شاخصه‌های خاص‌گرایی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. در اثر فرایند جهانی شدن مفهوم دموکراسی در تمامی کشورهای جهان مطرح شده است و یک نوع الگوی عام و جهانی به‌شمار می‌رود، اما در جمهوری اسلامی ایران برداشت خاصی از آن شده و با عنصر اسلامی ترکیب و در نتیجه به شکل الگوی خاصی که همان مردم‌سالاری دینی می‌باشد به منصف ظهور رسیده است. حقوق بشر و جامعه مدنی نمونه‌های دیگر است.

ب) حقوق بشر و جامعه مدنی

از دیگر مفاهیمی که در اثر پدیده جهانی شدن رواج عام یافته مفهوم حقوق بشر است. مسائل حقوق بشر در سراسر جهان در تعاملات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مطرح شده است. حداقل دولت‌ها به‌طور کلی تایید می‌کنند که ارتقا و حمایت از کل حقوق بشر از

نگرانی‌ها و مسائل مورد علاقه مشروع جامعه بین‌المللی است. در حالی که صرفاً دولت‌ها از نظر حقوقی متعهد به حمایت از حقوق بشر هستند، اما نهادهایی بین‌المللی به‌ویژه آنهایی که به‌میزان زیادی متشکل از دولت‌ها هستند نیز احتمالاً تعهداتی نسبت به حمایت از حقوق بشر دارند. حقوق بشر جهانی شده و فراتر از مرزها و سازوکارهای دولت عمل می‌کند. این حقوق بشر تقریباً در همه جوامع بخشی از گفتمان‌هاست که هم با نخبگان، رهبران و ستم‌دیدگان و هم با نهادها و جوامع سخن می‌گوید. حقوق بشر هم بخشی از جهانی شدن است. برخی معتقدند قواعد حقوق بشر بین‌المللی بیانگر نمادی از ارزش‌های جهانی نیست، بلکه انعکاسی از ارزش‌های غربی و اروپایی است.

اما در جمهوری اسلامی ایران در واکنش به جهانی شدن الگوی خاصی از مفهوم حقوق بشر ارائه شده است. بنابراین شاهد نوعی واکنش خاص‌گرایانه از طرف اسلام‌گرایان در برابر جهانی شدن راجع به مساله حقوق بشر نیز هستیم و به طرح الگوی حقوق بشر اسلامی با تاکید بر آموزه‌های اسلامی منجر شده است. از دیگر مفاهیمی که در پی فرایند جهانی شدن در جمهوری اسلامی ایران به شکل خاصی ظاهر شد مفهوم جامعه مدنی است. جامعه مدنی یک الگوی عام و جهان‌شمول است اما در جمهوری اسلامی ایران به شکل جامعه مدنی اسلامی مطرح، و به ایجاد نوعی الگوی خاص‌گرایی منجر شده است.

نتیجه‌گیری

پدیده جهانی شدن منجر به عام‌گرایی در فرهنگ شده که نمودهای آن نیازها، مصرف، تمایل و حرکت به سمت فرهنگ یکسان، بروز رفتارهای مشابه، استفاده از الگوهای یکسان لباس پوشیدن و تولید لباس‌هایی به سبک غربی در تمامی کشورها، تغییر در برخی از ارزش‌ها و جایگزینی ارزش‌های غربی به جای ارزش‌های ملی و محلی و... قابل مشاهده است. به طور واضح در کشورمان از ابتدای دوران سازندگی آرام آرام شاهد پیدایش و رواج عام‌گرایی و یکسانی فرهنگی بودیم که این زمان مقارن شد با تحولات ناشی از انفجار اطلاعات و پیشرفت‌های تکنولوژیکی. مدرنیزاسیون و صنعتی شدن که از شاخصه‌ها و ویژگی‌های جهانی شدن است، بستر تغییر و دگرگونی در بسیاری از ارزش‌های فرهنگی و مذهبی را در ایران به وجود آورد. البته توسعه ارتباطات و ابزارهای تکنولوژیکی و پیشرفته مثل ماهواره و اینترنت... را نیز به این موضوع (تغییر الگوهای فرهنگی) باید اضافه کرد و همه این عوامل دست به دست

هم داد تا اینکه تغییراتی در فرهنگ شهروندان ایرانی بوجود آید. به طور کلی به نظر می‌رسد توسعه ارتباطات و نوسازی در صدد نوعی تقابل با ارزش‌های سنتی، اسلامی، مذهبی و فرهنگی ایران بوده و در صدد تضعیف و محو ارزش‌های اسلامی، ایرانی باشند. اما فرهنگ اسلامی-ایرانی که متأثر از مبانی دین اسلام است هم جذابیت‌ها و پتانسیل‌هایی دارد که اگر خوب تبلیغ و تبیین شود قطعاً به‌دلیل مناسبی برای الگوهای غربی است. به طور مثال همین الگوی مردم‌سالاری دینی که حضرت امام (ره) آن را طرح و بهترین شیوه حکومتی در سراسر دنیا معرفی کردند ضمن پاسداشت از حقوق مردم برخلاف بسیاری از دموکراسی‌های غربی عاری از استبداد و حق‌کشی بوده است. اگر امروز احساس می‌شود که تاثیر فرهنگ غرب زیاد است به واسطه ابزارهای تبلیغاتی قوی و متعددی است که غرب صاحب آن می‌باشد و هر الگو و پیامی که در راستای اهداف خود ببیند به‌عنوان الگوی برتر و موجه به جهانیان معرفی می‌کند. اگر جمهوری اسلامی ایران نیز برای مقابله با بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغاتی قوی و موثر به تبلیغ بیشتر و کاملتر الگوهای اسلامی-ایرانی بپردازد و از آنجا که الگوی اسلامی-ایرانی دارای جذابیت‌های فراوانی است می‌تواند جایگزین مناسبی برای الگوهای غربی باشد. رواج، شکل‌گیری و گسترش شلپه‌نو در زندگی بر اساس مبانی و ابزارهای مدرنیسم که تقریباً تمام سطوح زندگی انسان را پوشش داده است، قسمت زیادی از جامعه اسلامی ایران را تحت تاثیر فرهنگ جهانی قرار داده و باعث تکرار مفاهیم لیبرالیستی مانند دموکراسی، حقوق بشر، آزادی و جامعه مدنی شده و نگاه سنتی به فرهنگ و مفاهیم مذکور را دگرگون ساخته و آن را به چالش کشیده است. از طرف دیگر با توجه به گسترش تکنولوژی اطلاعات و رسانه‌های الکترونیکی بساط و زمینه‌های لازم را برای محقق ساختن فرهنگ جهانی و ایجاد ساختارهای جدید و متناسب با فضای شکل گرفته در جامعه فراهم آورده است. از اصلی‌ترین عواملی که باعث تقویت خاص‌گرایی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران در پی فرایند جهانی شدن شده است، می‌توان به اصول و اعتقادات دینی، مبانی قانون اساسی و هویت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که محدودیت‌های زیادی در پذیرش وجوه سیاسی جهانی شدن پیش روی می‌گذارد. فرایند جهانی شدن نسبت به مسائل فرهنگی باعث اتفاق افتادن نگرش عام و جهانی گردیده، اما با توجه به دلایل یاد شده در حوزه فرهنگ سیاسی وضعیت خاص به وقوع پیوسته و باعث باز تعریف مسائل سیاسی شده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آکسفورد، باری (۱۳۷۸). **نظام جهانی: اقتصاد، سیاست، فرهنگ**. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۳). **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
- بهکیش، محمدمهدی (۱۳۸۴). **اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن**. تهران: نشر نی.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین و مهدی سقایی (۱۳۸۵). **گردشگری ماهیت و مفاهیم**. تهران: انتشارات سمت.
- پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰). **بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی**. ترجمه: غلامرضا خواجه سروی. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حجازی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۲). «چالش دین و جهانی شدن»، برگرفته از **کتاب جهانی شدن و دین، فرصت‌ها و چالش‌ها**، به اهتمام محمد جواد صاحبی. قم: نشر احیاگران.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۰). «جهانی شدن، مصداق‌ها و برداشت‌ها»، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال سوم.
- _____ (۱۳۸۳). **فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر**. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- _____ (۱۳۸۴). **نظریه‌های گوناگون در باره جهانی شدن**. تهران: انتشارات سمت.
- شهرام‌نیا، سیدامیرمسعود (۱۳۸۶). **جهانی شدن و دموکراسی در ایران**. تهران: نشر نگاه معاصر.
- سیادی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). **انقلاب اسلامی و چالش‌های جهانی شدن فرهنگ**. تهران: انتشارات نیکان کتاب.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۴). «فهم فرهنگ سیاسی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال نهم، شماره چهار.
- _____ (۱۳۸۵). **بنیادهای علم سیاست**. تهران: نشر نی.
- عباسیان، علی‌اکبر (۱۳۸۷). **فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی**. تهران: نشر اختران.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۵). **سیاست مقایسه‌ای**. تهران: انتشارات سمت.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۸۰). **جهانی شدن، فرهنگ و سیاست**. تهران: نشر قومس.
- کرث، جیمز (۱۳۸۰). «مذهب و جهانی شدن»، ترجمه حمید بشیریه، **کتاب نقد و نظر**، سال هفتم، شماره اول و دوم.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۶). **جهانی شدن، فرهنگ، هویت**. تهران: نشر نی.
- محمدی، مجید (۱۳۷۷). **درآمدی بر جامعه‌شناسی و اقتصاد فرهنگ در ایران امروز**. تهران: نشر قطره.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). **تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها**. تهران: نشر موسسه مطالعات ملی.

هینس، جف (۱۳۸۱). دین، جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم. ترجمه: داوود کیانی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

(ب) منابع انگلیسی:

- Beyer, P. (1994). **Religion and Globalization**. London: Rutledge.
Giddens, Antony (1991). **Modernity and Self Identity**. Mass., Cambridge: Polity Press.
Lechner, F. and Boli, J. (2000). **The Globalization Reader**. Oxford: Blackwell.
Robertson, R. (1993). **Social Theory, Cultural Relativity and the Problem of Globality**. London: Sage.
Silverman, M. (1991). **Facing Post Modernity**. London: Rutledge.
Tomlinson, J. (1999). **Globalization and Culture**. Mass., Cambridge: Cambridge Polity.

